



فهرست بی‌نهایت!



حسام آبنوس

رسانه

ا ایده نوشتن این یادداشت از تیتتر تکراری «صد کتابی که تا پایان عمر باید بخوانید!» به ذهنم رسید، تیتتری که نه تنها انگیزشی نیست، بلکه همواره به شما یادآوری می‌کند که عقید. رنج‌آورتر زمانی است که می‌بینید این فهرست‌ها تمامی ندارد و هرکسی از ظن خودش فهرستی داده و صد کتابی که تا پایان عمر باید خوانده شود را در آن نام برده است.

«از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود

زنهار از این بیابان وین راه بی‌نهایت»

این بیت از حافظ تمثیل خوبی است برای کتاب‌های که نخوانده‌ایم یا دلمان می‌خواهد بخوانیم. به همین خاطر هر قدر که بیشتر وارد این بحر طویل می‌شویم بیشتر سرگردان و حیران می‌شویم.

می‌خواهم از همین جا اعلام کنم اگر قرار باشد دنبال این فهرست‌ها بروید، بدانید هیچ وقت به آخر خط نمی‌رسید و بهتر است به جای این که دنبال فهرست و توصیه‌های کیلویی بروید، دنبال سلیقه و علاقه خودتان باشید، اصلا خدا را چه دیدید شاید روزی رسید که خودتان يك فهرست صدتایی از کتاب‌هایی که اگر نخوانیم عمرمان را به فنا داده‌ایم، ارائه کردید.

اگر گفتم آن بیت حافظ مصداق خوبی برای فضای کتابخوانی است حرف بیراهی نزدم. چون هر قدر بیشتر عمیق می‌شوید، می‌بینید چقدر کتاب نخوانده هست که باید خواند و چقدر علایق شخصی دارید که شاید ۱۰ درصدشان را هم نتوانسته‌اید محقق کنید. به همین خاطر خیلی به این فهرست‌ها دل نبندید و دنبال علاقه خود باشید. البته صد درصد فهرست را نفی نمی‌کنم، ولی از طرف دیگر هم می‌گویم که این فهرست‌ها برخاسته از يك سلیقه است که ممکن است با سلیقه شما جور نباشد. برای مثال ممکن است يك فرد پیشنهاددهنده رمان هفت جلدی «در جست و جوی زمان از دست رفته» اثر مارسل پروست را در فهرست صدتایی خود گنجانده باشد، ولی شما وقتی با کتاب مواجه شوید (آن هم کتابی که این روزها ۵۰۰ هزار تومان قیمت دارد) متوجه می‌شوید که خواندن چند صفحه‌اش هم کار آسانی نیست. به همین خاطر با کمال احترام به فهرست‌های موجود توصیه می‌کنم حتما فهرست‌ها را مرور کنید ولی در بین آنها، کتابی را بخوانید که فکر می‌کنید با روحيات و علاقه‌مندی‌های شما همسو است. اجازه ندهید کتاب‌ها که قرار است تجربه‌های انسانی را منتقل کنند مایه سردرگمی و حیرت شما شوند.

در پایان هم می‌خواهم توصیه کنم که قبل از خرید کتاب اندکی درباره آن جست و جو کرده و اطلاعاتی پیدا کنید و با دید باز سراغ آن بروید، زیرا حتی آثار مشهور نویسندگان هم گاهی ممکن است رضایت شما را جلب نکند و لذت خواندن را در کامتان تلخ کند. [🔗](#)

يك اتفاق «نسل امروز»ی از جنس کتاب در تلویزیون

نمایش کتاب بستگی به ما دارد!

بودند، در چند سال گذشته حرکتی شروع شد که برخی از مطبوعات و کتاب‌ها به سمت الکترونیکی شدن، رفت اما الان دوباره مسیر برگشت به کتاب کاغذی را طی می‌کنند. اثری که کتاب کاغذی دارد قابل مقایسه با نسخه الکترونیکی آن نیست، در تحقیقات کشورهای مختلف و آزمایش‌های میدانی نشان داده شده که کتاب کاغذی در میان کودکان بیش از وسایل الکترونیکی مورد توجه است..»

مختارپور فضای مناسب و استفاده از مربی خوب را عوامل موثری در کتابخوان شدن کودکان خواند و افزایش کتابخانه‌های ویژه کودکان را در گسترش این اتفاق مهم قلمداد کرد.

در بخش دیگری از این برنامه رحیم مخدومی که از نویسندگان و پژوهشگران حوزه دفاع مقدس است درباره حال و روز کتاب‌ها حرف زد و اوضاع کتاب را خوب



ارزیابی نکرد: «باید درباره غربت کتاب فکری کرد و بسیج عمومی در این زمینه شکل گیرد و این کار احتیاج به فرهنگ‌سازی دارد..» حتی او از مسؤولان فرهنگی گله کرد و گفت: «مسؤولان دستگاه‌هایی که وظیفه ذاتی‌شان فرهنگی است کتابخوان نیستند مثلاً وزیر فرهنگ و وزیر آموزش و پرورش کتاب‌هایی را که خوانده‌اند باید معرفی کنند. مسؤول در درجه اول باید خودش کتابخوان باشد. به صورت آزمایشی در شهر کوچک پیشوا از امام جمعه این شهر خواسته شد تا کتاب‌هایی را در نماز جمعه معرفی کند، این کار انجام شد و از خیرین تقاضا شده تا کمک کنند که بخش زیادی از هزینه کتاب‌ها برای مصرف‌کنندگان کم شود..»

این نویسنده برخلاف عده‌ای که می‌گویند کتاب خوب وجود ندارد گفت: «کتاب خوب تولید می‌شود، اما متأسفانه آن اتفاقی که باید، نمی‌افتد و در عرضه نیاز به حمایت‌هایی وجود دارد. طرح «کتاب در دسترس» مدتی در کشور انجام شد البته زمان زیادی اجرا نشد و این شیوه کتاب در دسترس منجر می‌شد فرد در مترو و اتوبوس‌ها دقایقی از وقت خود را به مطالعه بگذراند و خوب است که این طرح دنبال شود.»

مهدی رضائی، معاون توسعه کتابخانه‌ها و کتابخوانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور نیز به عنوان يك نسل امروزی در این برنامه شرکت کرده بود از اعداد و ارقام دوری کرد و به



جای آن درباره خواندن سخن گفت. او تأکید کرد که «اگر می‌خواهیم کتاب و کتابخوانی فراگیر شود باید کتاب تبدیل به دغدغه جمعی شود و گزینه افزایشی نخواهیم داشت. باید بررسی شود چرا کتاب در جامعه موضوع نیست، زیرا بخشی از گروه‌های مرجع در جامعه برای کتاب اهمیت قائل نیستند..»

این برنامه که حرف‌های متنوعی از جنس کتاب در آن مطرح شده بود می‌تواند باب خوبی برای کتاب و ترویج گسترده آن باشد و امید می‌رود رسانه ملی بیش از گذشته به این یارمهربان توجه کند.

رسانه پای کار کتاب باشد اوضاع فرق می‌کند. این موضوع بارها ثابت شده و موارد بسیاری را می‌توان نام برد که هرجا رسانه ملی پای کار کتاب بوده کتاب‌ها حالشان بهتر شده است. برنامه تلویزیونی «نسل امروز» که در آن حرف‌های نسل امروزی‌ها زده می‌شود حالا این بار سراغ کتاب رفته تا حرف‌هایی از جنس نسل امروز بزند.

در این برنامه که چند مهمان داشته، علیرضا مختارپور، دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور از اوضاع کتاب و صورت‌بندی کتاب در جامعه حرف زده است. او بر این باور



است که «می‌توان طوری اطلاعات حوزه کتاب را بیان کرد که نشان دهد حال کتاب بسیار خوب است، اما می‌توان آنها را طوری صورت‌بندی کرد که بیانگر وضعیت نگران‌کننده‌ای باشد.» «بهترین صورت این است که واقع‌گرایانه با این حوزه برخورد شود. حدود صد هزار عنوان کتاب منتشر می‌شود و در منطقه رتبه اول را داریم و جزو کشورهای توسعه‌یافته در این زمینه محسوب می‌شویم.» اطلاعاتی که مختارپور می‌گوید نشان می‌دهد بستگی دارد چطور با کتاب و حواشی آن روبه‌رو شویم و طوری نشان دهیم که کتاب و کتابخوانی در جامعه اوضاع خوبی ندارد.

این مقام مسؤول در بخشی از این برنامه از استانداردها سخن می‌گوید و یادآوری می‌کند: «تعداد ناشر کتاب در کشور بیش از حد مطلوب است و با تعداد بی‌رویه ناشر مواجه هستیم. نشر يك صنعت است و زمانی می‌توان به این تعداد توجه کرد که دارای استانداردهای لازم و کیفیت حرفه‌ای باشند. وجود تعداد زیاد ناشر آسیب‌هایی دارد که در نمایشگاه کتاب مشاهده شد، ناشران به کپی آثار روی می‌آورند و این سنت بسیار بدی است.»

دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در این برنامه به میزان مطالعه و سرنه کتابخوانی نیز اشاره کرد و گفت: «گفتن این که مردم ایران کتابخوان نیستند، مردم را کتابخوان نمی‌کند بلکه باید رفع نیاز، فایده‌افزایی و... برای فرد داشته باشد تا افراد کتابخوان شوند. نسل امروز تفاوتی با نسل دیروز در برخورداری از امکانات مانند اینترنت دارد، نسل امروز از اطلاعات کتاب برخوردار است و درباره نویسندگان و حتی کتاب‌های منتشر شده در خارج از کشور اطلاعات زیادی دارد. نسل امروز در تمام دنیا به دلیل سرعت، کثرت و غلبه فضای مجازی بر فضای حقیقی تقلیل‌گرا شده است یعنی متن‌های کوتاه را بر متن‌های بلند ترجیح می‌دهد که یکی از آفات کتاب و کتابخوانی است.»

در روزگاری که متن‌های کوتاه بیشتر از متن‌های بلند و سخنرانی‌های طولانی خریدار دارد نوشتن رمان‌های طولانی چندین جلدی نیز دیگر معنایی ندارد و این نکته را مختارپور نیز مورد اشاره قرار داد: «دیگر در تمام دنیا خبری از تولید رمان‌های ۱۲ جلدی نیست، اما این شرایط نشان‌دهنده این نیست که علاقه به کتاب و کتابخوانی کاهش پیدا کرده است.»

امروز بسیار شنیده می‌شود که دوران کتاب‌های کاغذی تمام شده، اما مختارپور نظری خلاف این دارد و برای آن توضیح می‌دهد: «در برخی کشورهایی که در حوزه‌های فضای مجازی، کتاب و مطبوعات پیشرفته